

# روشهای برخورد با انحرافات جنسی

آیت الله ابراهیم امینی

قسمت اول

ولی خانواده در رفتارشان تغییر و اصلاح ایجاد نکنند، مسئله درمان، موفقیت چندانی نخواهد داشت. برای برخورد با انحراف جنسی، راههای گوناگونی مطرح شده که به ذکر آنها می پردازیم:

۱- نسبت به مسئله، بی تفاوت باشیم و اعتنائی ننمائیم و بگوئیم که انشاءالله خودش خوب می شود، مهم نیست، غریزه جنسی است و یک امر طبیعی می باشد. البته شما تصدیق می فرمائید که اسلام به ما اجازه نمی دهد که چنین برخوردی داشته باشیم و نسبت به انحراف یک انسان، بی تفاوت باشیم. روایات و آیاتی که در مورد نهی از منکر است، هیچگاه به ما اجازه نمی دهد بی تفاوت باشیم.

۲- راه دیگری که بنظر عده ای رسیده این است که برخورد سخت و تنبیهی با فرد بنمائیم که خود به انواع و اقسام گوناگونی از قبیل توبیخ، سرزنش، کم کردن نمره انضباط، کتک زدن و اخراج از مدرسه، صورت میگیرد. ولی این روش، چه مقدار می تواند مفید باشد؟ البته در اسلام،

سرنوشت ساز، مکتوم میماند و جز اینکه بچه ها بطور سرگوشی مسئله را برای همدیگر مطرح نمایند و نتیجه اش همین انحرافات جنسی و اخلاقی باشد، چیز دیگری نیست.

در برخورد با مسئله انحراف جنسی باید آن را از دو بُعد مورد بررسی قرار دهیم:

۱- پیشگیری

۲- درمان یا معالجه

۱- پیشگیری در خانواده، دبستان و دبیرستان... قبلاً بحث گردیده و اینک به مسئله درمان می پردازیم، ولی باید توجه داشت که پیشگیری در این مسئله، از اهم امور است. و اساس کار پیشگیری است و پدر، مادر، مربی و معلمین، باید کاری کنند که فکر انحراف به ذهن بچه نیاید، زیرا نود درصد مسئله برخورد با انحراف، به پیشگیری مربوط می شود و تنها ده درصد آن به مرحله معالجه واگذار می گردد.

در امر معالجه باید دقت داشت که بسیاری از انحرافات در خانواده رشد می کنند و اگر معلول را برطرف کنیم،

یکی از موضوعات بسیار حساس زندگی انسان، مسئله غریز انسانی است. زیرا بقای نسل انسان، حیات انسان، آرامش روحی انسان به این غریزه بستگی دارد. اگر این غریزه در موقع خودش بیدار شود و در مسیری که خدا میخواهد قرار بگیرد، سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین می گردد. ولی اگر بی موقع، تحریک شده و یا اینکه به انحراف کشیده شود، صدها مشکل روانی، اخلاقی و اجتماعی برای انسان بوجود میآورد. زندگیهای زیادی در اثر انحراف این غریزه بر باد رفته اند و به شکست انجامیده اند. بنابراین مربیان، پدران، مادران، دبیران و آموزگاران و کلیه کسانی که مسئول تربیت هستند باید عنایت زیادی به این مسئله داشته باشند. ولی متأسفانه نه همه پدر و مادرها به فکراین هستند که با غریز جوانانشان کاری کنند که رهبری و هدایت صحیح بیابند و نه همه مربیان آموزش و پرورش و نه رادیو و تلویزیون. سعی همه برکنمان، سرپوش گذاردن و نگفتن است. بدین ترتیب یک موضوع حساس

## \* غریزه جنسی در سنین ۱۴ و ۱۵ سالگی و غریزه مذهبی هم در همین وقت بیدار می شود. بنابراین مربی بعد از اینکه اعتماد او را جلب کرد، باید صحبت از خدا و دین بنماید و در تقویت ایمان او تلاش کند.

می آید. و در آینده، معلوم نیست سر از کجا در بیاورد. می بینیم که در نتیجه این حالت ها، احتمال بروز صدها مشکل اخلاقی وجود دارد. این چنین شیوه هایی نتیجه ندارد. به عنوان مثال اگر شما بچه ای را از مدرسه بیرون کنید، آیا مسئله او حل می شود؟ مگر وظیفه شما فقط منحصر به همین مدرسه است؟ مگر شما فقط مسئولیت دارید که بچه های مدرسه خودتان را اصلاح کنید؟! اگر این بچه را به مدرسه دیگری بفرستید آیا او در آنجا عیبی نخواهد داشت، آنجا هر کاری بکند بی اشکال است؟ آیا مسئله، اصلاح مدرسه خودتان است؟! دین اسلام میگوید، بچه توی کوچی با بچه ای که در مدرسه است، تفاوتی نمی کند. من که مسلمان هستم موظفم برای اصلاح بچه منحرف تلاش کنم، حالا می خواهد در مدرسه من باشد یا نباشد. بیرون کردن بچه منحرف از مدرسه وظیفه ما را تمام نمی کند، در حالیکه اگر این بچه در مدرسه باشد شما میتوانید بر او نظارت داشته باشید ولی اگر به مدرسه دیگری برود تا مسئولین آن مدرسه بخواهند بفهمند، او باز خلافهایی را مرتکب گردیده است. خواهید گفت خوب به آنها اطلاع می دهیم، ولی این اشاعه فحشا است و بقیه در صفحه بعد

یعنی امام سجاد همواره می فرمود مادامی که واعظی از نفس خودت داشته باشی، به تو خیر خواهد رسید، در غیر اینصورت دیگر خیری خواه، زیرا دیگر خوب، تنبیه و پند و اندرز دیگران نمیتواند ترا کاملاً اصلاح نماید.

ما هدفمان در تربیت، پرورش نفس است. اگر ما بخواهیم در مورد انحرافات به تنبیه متوسل شویم، با توجه به اینکه تنبیه یک حالت بیرونی دارد، ممکن است شخص بترسد و کار خطای خود را ترک کند، اما اصلاح درونی نشود. اگر شخص از باطن نفس خود، تصمیم به اصلاح خود بگیرد، در مقابل تنبیه، سعی می کند کار خطای خود را بصورت مخفی انجام دهد و کار نامشروع خود را آنگونه انجام بدهد که اولیاء و مریبان متوجه نشوند. همچنین تنبیه سبب خرد شدن شخصیت افراد می شود و وقتی فردی، شخصیتش له شد، در برابر مربی به یکی از این دو حالت، عکس العمل نشان می دهد: یا اینکه واقعاً مقاومت مینماید و لجبازی می کند و مثلاً از مدرسه، خانه، پدر و مادر قهر می کند و بطرف دیگری می رود، و یا اینکه وقتی غریزه اش تحریک شد، از ترس تنبیه، خود را از ارضاء آن محروم می کند و از این طریق نیز عقده ای بار

مسئله تنبیه، مجازات، تعزیر و امثال اینها وجود دارد و نمیتوان انکار کرد که اسلام به این جنبه مسئله، عنایتی دارد، اما صحبت اینست که این مجازاتها تا چه مقدار مفید است؟ چه وقتی باید بکار گرفته شود؟ آیا در وهله اول باید بسراغ تنبیه و مجازات برویم؟ یا اینکه آن را به مرحله ای واگذار نمائیم که چاره ای جز آن نیست؟

بطور کلی مسئله تنبیه، دارای اشکالاتی است که عمومیتترین اشکالات آن اینست که ما را به هدف اصلی مان نمی رساند. هدف ما ساختن، تقویت و ارشاد فرد است، یعنی باید کاری کنیم که دیگر خودش بدنبال انحراف نرود، زیرا زور و جبر، منسک است موقتاً جلوی انحراف را بگیرد ولی یک برنامه مفید و سازنده تربیتی نیست.

۳- راه سوم آن است که اصلاحات را از درون افراد شروع کنیم. باید از باطن افراد آغاز کنیم. باید باطن افراد را اصلاح نمود، و این روش تربیتی اسلام است و اسلام روی این مطلب، عنایت خاص دارد. روایتی از امام صادق (ع) هست که مضمون آن این است که

من لم يجعل له من نفسه واعظاً فان مواعظ الناس لن تعني عنه شيئاً

هر کسی در نفس خود واعظی نداشته باشد، یعنی نفس خودش برای او بصورت واعظی در نیامده باشد که پند و اندرزش دهد، مواعظ دیگران و حتی تنبیهات آنها نمیتواند واقعاً جنبه سازندگی کافی داشته باشد.

روایت دیگری هست که درباره امام سجاد (ع) می باشد: «كَانَ عَلِيٌّ ابْنُ حُسَيْنٍ (ع) يَقُولُ ابْنُ آدَمَ لَا تَزَالُ بَخِيرُ مَا كَانَ لَكَ وَاعْظُ مِنْ نَفْسِكَ.

**\* کمبود محبت از عوامل دیگر انحراف می باشد. گاهی بچه ها از اول صبح که بیدار می شوند، مورد سرزنش، تحقیر، فحش و... قرار می گیرند. بچه ای که از هیچ جا و هیچ کسی محبت ندیده، وقتی که مورد محبت فرد نااهلی قرار بگیرد، فریب می خورد.**

نگاه داریم، بلکه باید ایندلوژ مکر کنیم که او در اثر طغیان این غریزه، انحرافی پیدا کرده است که خلاف اسلام هم هست، اما این بچه طبعاً بد نیست، بلکه پاک و خوب است.

ثانیاً: باید این واقعیت را پذیرفت که قدرت غریزه بسیار زیاد است. ثالثاً باید توجه داشت که گناه در اثر عناد، صورت نگرفته، بلکه در نتیجه ناآگاهی، خامی و بی تجربگی بوده است. حتی ممکن است که جوان از حرمت این کار، اطلاع نداشته باشد.

چه کسی به این جوان گفته است؟ کدام مشربی سرمسبر، چه وقت رادیو و تلویزیون، کمی دبیر و آموزگار و چه وقت پدر و مادر گفته اند این کار حرام است؟ ما او را در ناآگاهی مطلق و در دریای بی اطلاعی رهایش ساخته ایم و توقع هم داریم نکنند و باید متوجه بود که تقویت روحیه جوان به این سادگیها نیست که مثلاً جوانی که مرتکب خلافی شد همان وقت، فوری صدایش کنیم و در کلاس، در حضور دیگران و یا حتی به تنهایی روحیه اش را تقویت نماییم. معلمی که با بچه ها آشنا نیست، فاصله دارد و مورد اعتماد نمی باشد، چگونه می تواند تقویت روحیه کند؟ بنابراین وظیفه اول مربی جلب اعتماد بچه هاست، زیرا مادامی که انسان به کسی اعتماد نکند به حرفش گوش نمی دهد. در موعظه هم همینطور است، اگر انسان به حرف فرد مورد اعتمادی گوش بدهد حرفش را می شنود، قبول می کند و در او تاثیر هم می گذارد. اما اگر فردی باشد که خیلی هم خوب حرف می زند ولی مورد اعتماد نباشد، تأثیری در شنونده نمی گذارد. شما می بینید که گاهی

این غریزه نجات بدهد، واقعاً بهلوان است. غریزه جنسی آنقدر آدم ها را بدم کشیده و آنقدر بزرگان را ساقط کرده است که حد ندارد. برای تقویت نفس دوره وجود دارد: ۱- یکی اینک که شخصیت جوان را تقویت کنیم، به او روحیه بدهیم و برایش ارزش و قدر قائل شویم و عبارتی، اراده او را تقویت نماییم، زیرا انسان، موجود قدرتمندی است، اگر نفس او تصمیم بگیرد، قدرتمند است و او میتواند جلوی شهوات را بگیرد. در روایتی از امام علی (ع) در نهج البلاغه نقل شده که «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ سَهْوَاتُهُ» یعنی اگر نفس، گرامی و بزرگ شد و شخصیت یافت، شهوات را کنترل می کند.

بنابراین اگر خواستید به جنگ شهوات بروید، بهترین وسیله، تقویت نفس است. برای تقویت نفس، توجه به چند نکته لازم است:

**اولاً:** فردی را که مرتکب گناه شده نباید بعنوان یک مجرم، و کسی که اصلاً قابل اصلاح نیست، شرور است، خدا از او بدش می آید و...

اسلام اشاعه فحشا را نهی می کند، زیرا آن سبب تشویق به فحشا می گردد. البته گاهی ضرورت، چنین اقدامی را ایجاب می کند، ولی باید توجه داشت که این نخستین مرحله نیست و باید به راه دیگری فکر کرد. بجای اینکارها باید درون اینها را اصلاح کرد و سعی نمود تا خود اینها تصمیم به خوب بودن بگیرند. و اخلاق زشت خود را ترک کنند.

جوانی که به سن بلوغ میرسد، طغیان شهوت غریزه جنسی، مثل آتش در درون او شعله می زند و در پی ارضاء است، خداوند متعال، این غریزه را در وجود او نهاده است. غریزه جنسی از تمام غرایز مهمتر است و وقتی تحریک شود، دیگر چشم آدم نمی بیند و عقلش درک نمی کند. گاهی انسان در این حالت، کارهایی را انجام می دهد که بعداً شرمسار می شود که آیا من بودم که چنین کاری کردم؟

تمامی افراد، تحت تأثیر این غریزه هستند مگر کسی که خدا حفظش کند. هرکسی بتواند خود را از انحراف

سخنان امام با کلمات عادی، شوری ایجاد می‌کند، برای اینکه مردم اعتماد به امام دارند و امام توانسته اعتماد جوانها را جلب کند، و آنها را هدایت نماید که اینگونه به جبهه‌ها بروند. بنابراین قدم اول در تقویت شخصیت، جلب اعتماد است. مرحله دوم اینست که جوان باید این مربی را بعنوان یک دلسوز واقعی بپذیرد و او را غمخوار و محرم راز خود بداند و مرحله سوم اینست که مربی باید کاری کند که این جوان بفهمد که مربی نیازهای او را درک کرده است، اگر جوان این را بفهمد، رابطه میتواند موثر باشد. والا جوان می‌گوید ای بابا او چه می‌گوید، من چه می‌گویم. مثلاً کسی که شکمش گرسنه و ناراحت است، موعظه در او تاثیری ندارد، مربی باید بفهمد که او شکمش گرسنه است. جوانی که در بحران طغیان جنسی است، مربی باید این مطلب را بفهمد ولی متناسفانه معمولاً مربی موقعیت جوان را درک نمی‌کند، هرچند او خودش این دوران را طی کرده باشد. زیرا او حالا ازدواج کرده، راحت است و این مشکلات را ندارد. در این موقعیت، مربی باید کاری کند که جوان بفهمد که مربی وضعیت او را درک کرده و می‌فهمد که مشککش چیست و هدفش هم حل مشکل اوست.

در اصلاح و هدایت، رعایت نکاتی نیز بسیار ضروری است: اولاً اینکه مربی اگر مسئله را بفهمد نباید بگذارد این مسئله از حد او تجاوز نماید. مثلاً تا مطلبی را فهمید برود به مدیر مدرسه به فلان مسئول یا... بگوید و یا اینکه برای مسئله، شورائی تشکیل دهد، رسوائی بوجود آورد و

آبروی بچه را ببرد. در حالیکه او باید برود با بچه گرم بگیرد. انس گرفتن، این نیست که به او دستور دهد و امر و نهی کند، گرم گرفتن باید همانطور باشد که دو تا بچه با هم گرم میگیرند و دوست می‌شوند و اخلاقشان در یکدیگر تأثیر می‌گذارد. مربی باید به همین صورت، با آن بچه دوست شود و عجله هم نکند که همان جلسه اول او را اصلاح نماید، زیرا مادامی که اعتماد جلب نشود، کاری نمیشود کرد. باید یک یا دو جلسه در زنگ تفریح، مراقب او باشد، با او در مدرسه تماس بگیرد به منزلشان برود، و خلاصه با او گرم بگیرد. وقتی اعتماد او را جلب کرد و فهماند که دوست واقعی او است آنوقت تدریجاً این مسائل را مطرح نماید که خوب شما ماشاالله بزرگ شده اید الان پانزده شانزده سال، سن داری، ما هم وقتی که جوان بودیم چنین حالاتی داشتیم و برای او بگویند که چیز مهمی نیست و این مقدمه مرد شدن یا زن شدن است و جریانی طبیعی و عادی است. مربی بدینوسیله او را تقویت روحی بنماید. برای تقویت روحی یکفرد باید توجه داشت هر کسی خوبی‌هایی دارد، اگر ما خوبیهای او را بگوئیم که مثلاً تو ماشاالله بچه خوب و منظمی هستی و خانواده محترم و آبرومندی داری، تو باید مواظب باشی که آبروی آنها را حفظ نمائی، آبروی خودت را حفظ نمائی و...

اگر چنین کردی او می‌گوید من بزرگم، این کار را نمی‌کنم. «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاهُ» هر کسی که نفسش گرامی

بقیه در صفحه بعد

## \* مریان محترم باید توجه

### داشته باشند که کار

### اصلاح و درمان،

### تداوم و استمرار

### میخواهد.

## \* بهترین راه علاج این

### است که موجبات ازدواج

### پسران و دختران را

### سرپرست فراهم نمود.

## \* شما این را

### مسلم بدانید که اگر

### کسانی مرتکب بزهکاری

### می شوند، نوعاً برای ذلتی است

### که در نفس خود احساس می کنند، و

### نفس خودشان را شکست خورده می دانند.

که گناه کند به جهنم میرود و اینکه آتش دوزخ چه جور است و اگر کسی مرتکب چنین کار زشتی بشود، فلان می شود و برایش در این باره آیات و روایات را نقل نمایم. دیگر اینکه خداوند را بعنوان دوستدار بندگان و وجودی مهربان معرفی کنیم و از این طریق، دین را معرفی نمایم.

شما ببینید که در قرآن چقدر آن الله يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ... داریم. إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَأَسَاساً صَحِبْتَ مِنْ مَحَبَّتِ اللَّهِ... این که «مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ» یعنی رحمت خداوند بر غضبش همیشه تقدم دارد.

روایاتی داریم که خداوند متعال جوانانی را که توبه می کنند از همه چیز بیشتر دوست دارد. این محبت خداست که احساسات مذهبی را بیدار می کند و وقتی به جوان می گوئی که خدا تو را دوست دارد پَر در می آورد.

البته آن چیزهایی که راجع به گناهان می باشد، آنها را هم بگوئید که اگر کسی نافرمانی خدا کند، عذاب می بیند. این دو جهت، جوان را نیروئی می دهد تا بتواند در برابر طغیان شهوت، مقاومت نماید و خودداری کند، شما مطمئن باشید که اگر درست برنامه ریزی شود و کوشش صورت بگیرد، موفقیت حاصل خواهد شد. ولی این کارها حوصله، عنایت و فداکاری می خواهد، اصلاح انسان، ساده نیست. بی جهت نیست که پیغمبر اکرم (ص) به علی ابن طالب (ع) میفرماید: «يَا عَلِيُّ لَنْ تُبْهَدِيَ اللَّهُ بَكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ دُنْيَا وَمَافِيهَا»

عقل در این زمینه کور و کراست. این مطلب در روانشناسی نیز هست که با احساسات میتوان جنگید یعنی میتوان جوانی را که در باطنش تنوری از غریزه جنسی در التهاب است، به توسط احساس تحت کنترل درآورد والا با عقل، موفقیت خیلی کم خواهد بود.

دانشمندان می گویند در سنین نوجوانی، احساسات مذهبی بیدار می شود و همه جوانها احساسات مذهبی پیدا می کنند. بعضی از دانشمندان معتقدند که در درون انسان، غریزه خداجوئی و مذهبی وجود دارد، لذا باید از این غریزه برای مبارزه با انحرافات و این مسائل استفاده کرد.

غریزه جنسی در سنین ۱۴ و ۱۵ سالگی و غریزه مذهبی هم در همین وقت بیدار می شود. بنابراین مربی بعد از اینکه اعتماد او را جلب کرد، باید صحبت از خدا و دین بنماید و در تقویت ایمانی او تلاش کند. البته در این مورد خدا را دو جور می توان معرفی کرد، یکی اینکه خداوند قهار است، هر کسی را

شد، دنبال شهوات نمی رود. شما این را مسلم بدانید که اگر کسانی مرتکب بزهکاری می شوند، نوعاً برای ذلتی است که در نفس خود احساس می کنند، و نفس خودشان را شکست خورده می دانند و در نتیجه دست به دزدی و جنایت می زنند و هزار کار دیگر می کنند. بر طبق آمارهای موجود، اکثر انحرافات، ناشی از چنین کمبودهایی است، حتی بسیاری از انحرافات جنسی در اثر رفتار پدر و مادر در خانه است که فرزندشان را تحقیر و سرزنش می نمایند.

۲- راه دومی که بوسیله آن میتوان نفس جوان را بیدار ساخت، استفاده از احساسات مذهبی، دینی و ایمانی است، و این ایمان بود که انقلاب ما را به پیروزی رساند و جوانهای ما را به جبهه می کشد و جوانها را به شهادت متمایل می کند، آیا این ایمان نمیتواند جلوی شهوت را بگیرد؟

ایمان میتواند، ولی عقل نمیتواند،

## \* اگر خواستید به جنگ

### شهوات بروید، بهترین

### وسیله، تقویت

### نفس است.

تماس گرفت و به آنها گفت که برای رضای خدا از برنامه های غلط خود دست بردارند. قدری بیشتر به بچه ها برسند. سفارش کنید که بچه شما نیاز به محبت دارد و مربیان و معلمان هم باید اینکار را بکنند و نسبت به بچه ها بیشتر اظهار محبت نمایند. البته باید مواظب بود که گاهی زیادی محبت هم عامل انحراف می گردد. گاهی پدر و مادر بیش از حد به بچه محبت می کنند، و او با مشاهده چنین محبتی، فوری تسلیم می شود.

البته در برخورد با این امر در مدارس، مسئله حساسی برای مربیان مطرح است که باید متوجه بود. زیرا اگر مربی بخواهد با اینگونه بچه ها دوست بشود با آنها اینطرف و آنطرف برود تا آنها را هدایت نماید، ممکن است متهم شود، ولی باید این جو خطرناک را در مدرسه و جامعه شکست و مربی در مدارس، مانند یک پدر آنها پدر اسلامی جلوه گر شود. اگر مربی بتواند اینطور خود را جلوه دهد شاید این مشکل هم حل بشود. درخاتمه باید گفت بهترین راه علاج این است که پسران را زودتر متاهل نمود و دختران را زودتر شوهر داد.

والسلام

خود جلب نماید و با او دوست شود و احتمال دهد که آن فرد اصلاً اطلاع ندارد که این کار حرام است و سایر کارهائی که بطور کلی بحث گردید ولی در اینجا باید به عواملی که سبب این انحراف می شود توجه و دقت نمود:

۱- فقر و نیاز یکی از عوامل این انحراف می باشد، مثلاً بچه چیزی می خواهد، به مادرش می گوید ولی در برابر، سهل انگاری یا لجاجت می شود، یا اینکه واقعاً ندارند که تهیه کنند و همین نیاز گاهی سبب انحراف می گردد. متأسفانه در تحقیقاتی که بعمل آمد، معلوم شده که این انحراف در میان مردم فقیر شایعتر می باشد.

مربی در برخورد با چنین مواردی باید با پدر و مادر بچه صحبت کند و بگوید که چنین نکنند و این مالی را که می خواهند بگذارند برای بچه ها و از دنیا بروند، خوب الان برای بچه خود خرج کنند تا دچار انحراف نگردد. البته مربی نباید موضوع انحراف را مطرح نماید، بلکه به این عنوان که بچه شما چون درمش خوب است و زمینه پیشرفت دارد، جهت تشویق، فلان چیز را برایش بخرید. اگر هم به این صورت نمیشود، مربیان بروند با خیریه ها صحبت نمایند که بطریقی نیاز این بچه را برآورده نمایند.

۲- کمبود محبت از عوامل دیگر انحراف می باشد. گاهی بچه ها از اول صبح که بیدار می شوند، مورد سرزنش، تحقیر، فحش و... قرار می گیرند. بچه ای که از هیچ جا و هیچ کسی محبت ندیده، وقتی که مورد محبت فرد نااهلی قرار بگیرد، فریب می خورد. در این باره با پدر و مادر بچه

یک مرد را شما هدایت کنید از دنیا بهتر است، می دانید اینکار چقدر ارزش دارد؟ نقش مربی تربیتی در مدارس این است و آنچه در مدارس ما خلاء دارد، همین مسئله است. اگر سرصف، قرآن نخوانید، اگر نماز جماعت برپا نشود هیچ طوری نمی شود؛ البته اینها بسیار ضروری و لازم و خوب است و منظور، منع کردن نیست، ولی میگویم این مسئله جایش خالی است، این جای خالی را پر کنید.

مربیان محترم باید توجه داشته باشند که کار اصلاح و درمان، تداوم و استمرار میخواهد و اینکه شما توفیق یافته اید به درون او راه پیدا کنید، نباید آنها را بسادگی رها کنید، باید همراه باشید، همیشه با آنها صحبت کنید، چون نریزه، مسئله نیرومندی است و طی چند روز او را رها نمی کند. تو مایوس نشو، برو تا موفق شوی و حتماً هم موفق می شوی. آرزوی من این است که مربیان تربیتی در مدارس طوری باشند که وقتی بچه ها به مدرسه می آیند، شیفته دیدار با مربی باشند. مربیان باید مثل پدر شاگردان و حتی نزدیکتر از پدر آنها به آنها باشند.

مسائل مختلفی که درباره انحرافات جنسی مطرح گردیده، بیشتر نسبت به فاعل بوده ولی بچه ای که مورد تجاوز واقع می شود و انحراف جنسی در او به شکل مفعولیت نمود می یابد، مسائل خاص خود را دارد، زیرا دیگر نمی شود گفت که غریزه جنسی او را تحریک به اینکار کرده است. البته در اصلاح او هم، دوستی و رفاقت، خیلی مؤثر است. اول باید مربی، اعتماد او را به